

دموکریت

دموکریت در آبدراد تراس یونان متولد شد. سال تولد دموکریت را از این جمله خود او که گفته «در پنجاهم کنسالی آناکساگوراس، من جوان بودم.»؛ حد فاصل ۴۳۰ تا ۴۶۰ پیش از میلاد حدس زده اند. دموکریت برای تحصیل دانش سفرهای بسیاری در سرزمین های شرقی و جنوبی کرد. مورخان احتمال می دهند که مدتی را در مصر به سر برده باشد، و مسلم است که به ایران نیز سفر کرده بوده است. وی پس به آبدرا بازگشت و با افکار لئوپوس آشنا شد. زمانی که مکتب اتم کرایبی شهرت یافت، به آتن سفر کرد. از پروتاگوراس معاصراو، در آتن باشوق بسیار استقبال شده بود؛ اما دموکریت می گوید که «من به آتن رفتم و هیچ کس مرا شناخت در آتن مدت ها به فلسفه دموکریت توجهی نشد. برنت می نویسد: «روشن نیست که افلاطون از دموکریت اطلاعی داشته باشد، لیکن ارسطو او را خوب می شناخت.» دیوکنس لائرتیوس می نویسد که افلاطون چنان از دموکریت بدشمنی آمده که می خواسته همه کتابهای او را بسوزاند. دموکریت در یونان باستان به عنوان «فیلسوف خندان» معروف بوده است؛ زیرا بسیار بر ارزش شادمانی تاکید می کرده است. دموکریت همیشه آماده استقبال از زندگی، هوادار مثبت اندیشی و بهره گیری متعادل از لذت و دوری از ریاضت بود. از این رو، نظام اخلاقی اپیکوری در حقیقت همان اخلاق دموکریت است.

دموکریت از بزرگترین فیلسوفان پیش از سقراط و ریاضیدانی پر توش و توان بود. آثار بسیاری در زیست شناسی و موسیقی خلق کرد. اصل آثار دموکریت به دست مانر سیده است. از او صرفاً نقل قول هایی به جا مانده، و نیز دیوژن تنها عنوان چند اثر از آثار او را یاد کرده است: درباره آرامش روان، درباره طبیعت انسان، دوزخ ها، درباره سه نسل، علل زمینی ها، گنجی و اعداد دموکریت نظامی فلسفی تأسیس کرده است که تبیینی مادی از جهان طبیعی به حساب می آید و در این راه البته وی از معلمش لئوپوس متأثر است. اتم کرایبی وی و پیروانش در بین مکاتب مادی مسلک، از تأثیرگذارترین و معروفترین مکاتب به شمار می رود. حتی ارسطو که منتقد جدی این مکتب فلسفی به شمار می رفت، دموکریتوس را به جهت تاملات ژرف در فلسفه طبیعی تحسین و ستایش می کرد. وی اولین ارائه دهنده ی نظریه ی اتمی بودن جهان بوده است.